ای خواهر مسلمان!

چه کسی تو را

به حجاب امر نموده است**؟**

**بانضمام:**

**رهنمود‌هایی به زنان مسلمان در مورد تبرج و بی‌حجابی از** **شیخ محمد صالح العثیمن/**

**تألیف:**

**ابوسعید انصاری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | ای خواهر مسلمان! چه کسی تو را به حجاب امر نموده است | | | |
| **تألیف:** | شیخ محمد صالح العثیمن | | | |
| **ترجمه:** | ابوسعید انصاری | | | |
| **موضوع:** | احکام اجتماعی و مستحدثه (حجاب، آرایش، زینت و...) | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[خواهر مسلمان! چه کسی تو را به حجاب امر نموده است؟ 3](#_Toc330040304)

[و اما معنی حجاب چيست؟ 8](#_Toc330040305)

[نشانه‌هائی بر راه 9](#_Toc330040306)

[نکاتی مهم 10](#_Toc330040307)

[اخطار 11](#_Toc330040308)

[وعيد 12](#_Toc330040309)

[گروهی که رسول خداوندص آنها را نديد و ماديديم 13](#_Toc330040310)

[رساله‌ای به همه پدرها 14](#_Toc330040311)

[مژده و نويد 15](#_Toc330040312)

[شرايط حجاب شرعی 16](#_Toc330040313)

[خاتمه یازده نصیحت 17](#_Toc330040314)

[رهنمودهايي در رابطه با چهره آرائي و آرايش زنان 19](#_Toc330040315)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالـمين والصلاة والسلام علی أشرف الـمرسلين نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.

خواهر مسلمان! چه کسی تو را به حجاب امر نموده است؟

تا اين مقاله را نخوانده‌ای هرگز تعجب مکن:

دانشجوی دختری از يکی از دوستانش خواست تا برای مناقشه رساله فوق ليسانس که در حضور استادان مرد انجام مي‌شد با او وارد جلسه امتحان شود اما دوست او جواب داد: «فلانی آيا نمي‌دانی که در قرن بيستم زندگی مي‌کنيم»؟!!.

خانم پزشكي در يكي از بيمارست‌انها هنگامي كه لباس پزشكي بتن كرد, از لباس حيا عريان شد, و با كشف رخسار و موي سر و كوتاه كردن دامن به اين شکل جديد خوش آمد كفت: گويا اينكه از ضروريات شغل پزشکی اين است که زن دين خود را بدور انداخته و لباس حيا و عفت را از تن بدر آورد.

به ديدار بعضی از نزديکان خود رفتم، آنان از کسانی بودند که حشمت و ستر و حجاب خود را حفظ می‌کردند. اما بيکباره راننده همانند يکی از افراد خانواده به اتاق وارد شد. و آنان نيز هيچ عکس العملی از خود نشان ندادند انگار راننده نيز عضوی از افراد آنها است.

خواهر من!

آيا فکر می‌کنی که اين زنان می‌دانند چرا حجاب به تن کرده‌اند؟ واقع حال آنان بر اين مسئله دلالت می‌کند که آنها بر حجاب به عنوان عادتی از عادات مجتمع می‌نگرند که آن را از مادر با حجاب خود به ارث برده، و در پوشيدن آن به اوامر پدرانشان که آنان را حجاب دستور می‌دهند گردن نهاده‌اند. و می‌پندارند که حجاب رسم و عادتی ديرينه است که بايد بر حفظ آن کوشيد.

آيا اين زن هرگز از خود سؤال کرده است که چرا و در اطاعت از چه کسی حجاب به تن کرده است؟

پس بگذاريد خودمان جواب اين سؤال را بدهيم. در اطاعت از خداوندی که می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩﴾ [الأحزاب: 59].

معنی: «ای پيامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خويشتن را با جلباب فروپوشند که اينکار برای شناساندن آنها بهتر بوده و در نتيجه مورد آزار و اذيت قرار نخواهند گرفت و خداوند آمرزنده و مهربان است».

آيا او نمی‌داند که در انجام اين امر به فرمان خالق و رازقش و خالق آسمان‌ها و زمين گردن می‌نهد؟ همانکسی که می‌داند چه چيز، خلق را هدايت می‌کند و چه چيزی آنان را به وادی گمراهی روان می‌سازد.

﴿لِّلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ [البقرة: 284].

معنی: «آنچه در آسمان‌ها و زمين است همه ملک خداوند است».

خواهر من! خالق تو خداوند يکتا است که: ﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ فَٱعۡبُدُوهُۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ ١٠٢﴾ [الأنعام: 102].

معنی: «او است پروردگار شما که جز او هيچ الهی نيست و او خالق همه چيز است پس او را عبادت کنيد و او بر همه چيز وکيل است».

و او است که نعمتش را بر تو ارزاني داشته:

﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِ﴾ [النحل: 53].

معنی: «و هر نعمت که شما داريد از خداوند است و اوست که سر انجام تو را می‌ميراند».

﴿وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ بِٱلۡحَقِّۖ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنۡهُ تَحِيدُ ١٩﴾ [ق: 19].

معنی: «و آنگه و عذاب و سختی مرگ فرا رسيد. آن همان چيزی است که هميشه از آن می‌گريختی».

و او است که می‌فرمايد:

﴿يَوۡمَ نَحۡشُرُ ٱلۡمُتَّقِينَ إِلَى ٱلرَّحۡمَٰنِ وَفۡدٗا ٨٥ وَنَسُوقُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرۡدٗا ٨٦﴾ [مریم: 85-86].

معنی: «روزيکه متقيان را با عزت و کرامت بسوی خداوند رحمان می‌بريم و مجرمين را پياده و تشنه بسوی جهنم می‌رانيم».

و حاکم و فرمانروای آن روز مهيب و هولناک او است. همانروزی که:

﴿يَوۡمَ تَرَوۡنَهَا تَذۡهَلُ كُلُّ مُرۡضِعَةٍ عَمَّآ أَرۡضَعَتۡ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمۡلٍ حَمۡلَهَا وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٞ ٢﴾ [الحج: 2].

معنی: «هنگاميکه زلزله روز قيامت را ببينيد هر زن شيرده، نوزاد خود را رها ساخته و هر زن آبستني آنچه را که در رَحِم دارد بيافکند. و در آنروز مردم را مست و ديوانه وار می‌بينی. در حاليکه آنها مست نيستند. اما (علت مستی آنها اين است که) عذاب الله تعالی بسيار شديد و هولناک است».

و هم او است که مي‌فرمايد:

﴿يَوۡمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ ٱمۡتَلَأۡتِ وَتَقُولُ هَلۡ مِن مَّزِيدٖ ٣٠ وَأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ لِلۡمُتَّقِينَ غَيۡرَ بَعِيدٍ ٣١﴾ [ق: 30-31].

معنی: «روزی که به جهنم می‌گوئيم آيا پر شده‌ای؟ و جهنم مي‌گويد: آيا بازهم هست؟ و در آنروز بهشت برای متقين نزديک کرده می‌شود».

خواهر مسلمان!

آيا اين قول خداوند تعالی را نخوانده‌ای که:

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ [النور: 31].

معنی: «و به زنان مؤمنه بگو که چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند و فرج خود را محفوظ دارند و زينت و آرايش خود را بجز آنچه که قهرا ظاهر مي‌شود آشکار نسازند و سينه و گردن خود را با پوشش سر خود بپوشانند».

يا آنکه از زينت خود، مگر آنچه را که امکان پنهان کردنش نيست، همانند ملابسی که هيچ زينت و نمائی ندارد، چيز ديگری را ظاهر نسازند. يک زن بايد پوشش سر خود را بر سينه‌اش بياندازد تا سينه و گردن خود را از انظار پنهان کند. بخاری از عائشهل اينگونه روايت می‌کند که فرمود:

«يَرْحَمُ اللَّهُ نِسَاءَ الْمُهَاجِرَاتِ الْأُوَلَ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ نَّ شَقَّقْنَ مُرُوطَهُنَّ فَاخْتَمَرْنَ بِهَا».

معنی: «خداوند زنان مهاجرين اول را رحمت کند. هنگامی که خداوند اين آيه را نازل کرد: ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ پارچه‌های (عبا) خود را پاره کرده و از آن خمار و حجاب ساختند»[[1]](#footnote-1).

خواهر من! نگو که ما کجائيم و آنها کجايند، و چگونه می‌توان به مرتبه آنان رسيد. شاعری می‌گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فتشبهوا بالرجال إن لم تکونوا مثلهم |  | إن التشبه بالکرام فلاح |

معنی: «اگر مانند آنان نيستيد لا اقل خود را به آنان شبيه سازيد چون شباهت ورزيدن به کريمان عين رستگاری است».

خواهر من! آيا اين قول خداوند در مورد زنان نبیص که در مورد همه زنان عموميت دارد را نشنيده‌ای که: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53].

معنی: «اگر از آنان چيزی خواستيد آنرا از پشت پرده بخواهيد که اين امر بر قلب‌های شما و آنان پاکتر است».

بايد از خواهران خود بپرسيم برای قلوب چه کسانی پاکيزه‌تر است؟ برای قلوب همسران طاهره نبی اللهص که امهات المؤمنين (مادران مؤمنين) لقب يافته‌اند؟ يا برای اصحاب کرام رسول خدا که بهترين افراد امت را پس از او تشکيل مي‌دهند؟ پس در مورد قلوب ما در اين زمان و ايام پر از فتنه و فساد چه بايد گفت؟

آيا کسيکه ترا خلق نموده و راه طهارت و پاکي ترا مي‌داند همانند کسي است که آنرا نميدانند؟!!.

خواهر من! خداوند می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩﴾ [الأحزاب: 59].

معنی: «ای پيامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خويشتن را به جلباب فرو پوشند که اينکار براي شناساندن آنها بهتر بوده و در نتيجه مورد آزار و اذيت قرار نخواهند گرفت و خداوند آمرزنده و مهربان است».

ابن عباسب می‌گويد: «اين آيه دستوری است برای زنان مؤمنين تا اگر برای کاری از خانه خارج شدند صورت خود را با جلباب سر خود بپوشانند».

خداوند زنان مؤمنين را به اين دليل به اين مسئله امر داده است که به ستر و عفت شهرت يافته و اهل سوء در آنان طمع نياورند. پس خود ببينيد و بنگريد که همه زنانی که در کوچه و خيابان مورد اذيت و آزار قرار ميگيرند همه و همه از متبرجات و بی‌حجابی مي‌باشند که از لباس عفت و اسلام بدر آمده‌اند.

خواهر من! در اين آيهء کريمه کمی تأمل کن:

﴿وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۢ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠﴾ [النور: 60].

معنی: «و زنان سالخورده که از ولادت و قاعدگی باز مانده و اميد ازدواج و نکاح ندارند، بر آنها باکی نيست که حجاب خود را کنار بگذارند در صورتيکه زينت خود را ظاهر نسازند و اگر هم عفت پيشه کنند و حجاب خود را به تن داشته باشند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است».

در اينجا خداوند می‌فرمايد که حجاب برای پيرزني که طمع ازدواج نداشته و زينت خود را نيز به نمايش نگذاشته است بهتر و افضل است علی الرغم اينکه اجازه نمايان ساختن دست و صورت را به او داده است.

حال اگر حکم در مورد پيرزنان بدينگونه باشد پس در مورد زنان جوان و دختران چه بايد گفت؟

خواهر من! به سخن مادرت ام المؤمنين گوش فراده که از رسول اکرمص می‌پرسد: قسمت پايين لباس زنان چگونه بايد باشد؟ و حضرت رسول اکرمص جواب مي‌دهد: آن را يک واجب بر زمين رها کنند. و ام المؤمنين می‌گويد: در اين صورت قدم‌های آنان نمايان مي‌گردد. و ايشانص می‌فرمايند: آن را يک ذراع بر زمين رها کنند و بر آن نيافزايند.

سبحان الله!! مادران مؤمنين، بلندتر شدن دامن را از رسول خداص طلب می‌کنند، و زنان ما روز بروز آن را کوتاهتر کرده و بقول معروف کيکشان هم نمی‌گزد؟!.

و اما معنی حجاب چيست؟

حجاب عبارت است از ستر بدن، و عبارت است از مجموعه‌ای از احکام اجتماعی که به چگونگی وضع زنان در نظام اسلامی ربط داشته، و خداوند آن را تشريح نموده است تا برای حمايت زن قلعه‌ای شامخ بوده، و مجتمع را از فتنه‌ها نگاه دارد، و زن را در قالب و چهار چوبی منضبط برای انجام وظيفه‌اش که همان ساختن نسل‌ها و تأمين آينده است و به عبارت ديگر همکاری در پيروزی اسلام و تمکين دادن آن در کره ارضی آماده سازند.

نشانه‌هائی بر راه

خواهر من! اين قول خداوند را به آن کسی که در التزام به حجاب متردد است هديه می‌کنيم:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦﴾ [الأحزاب: 36].

معنی: «اگر در مورد امری خداوند و رسول او حکم دهند ديگر هيچ مرد و زن مؤمنی حق انتخاب و اختيار ندارند و کسی که خداوند و رسول او را نافرمانی کند، به گمراهی سختی افتاده است».

و به کسی که کور کورانه مقلد ديگران بوده و بدون هيچ بصيرت و هدايتی گام بر می‌دارد اين سخن رسول خداص را گوشزد مي‌کنيم که فرمودند:

«لا يكُنْ أحَدُكُمْ إِمّعَة ، يقول: أنا مع الناس، إِن أحْسَنَ الناسُ أحسنتُ. وإن أساءوا أسأتُ، ولكن وَطِّنُوا أنفسكم إن أحسن الناسُ أحسنوا وإذا أساؤوا تجتنبوا إساءتهم».

معنی: «مبادا که يکی از شما دنباله رو مردم بوده و بگويد: من با مردم هستم اگر خوب شدند خوب می‌شوم و اگر بد شدند من هم بد می‌شوم. ولکن نفس خود را استقرار و اطمينان داده و اگر مردم خوب شدند شما نيز به احسان رفتار کنيد و اگر اسائت ورزيدند از اسائت آنان دوری جوئيد».

و به آن کسی که به زبان حال خود می‌گويد: اگر در سرزمين کفار به حجاب در آيم همه مردم مرا به ديده تعجب می‌نگرند، و اما اگر از حجاب بدر آمدم، همانند يکي از آنها خواهم بود، و قيافه من کسی را به خود جلب نمی‌کند. می‌گوئيم: ای عالمه فقيهه، اين اظهار شخصيت مسلمانی بخصوص در بلاد و سرزمين کفار، تو را به آن خوانده است، و هرگز کسی نمی‌تواند نص صريح و حکم روشن خداوند را زير پاگذاشته و به اجتهاد و رأی خود دست يازی کند.

نکاتی مهم

خواهر من!

ای کسی که روبروی آن زن کافر با سرافکندگی ايستادی و گفتی: بانوی من، ما علم آموختيم و از ما زنان بسياری پزشک و اديب شدند، و بسياری روزنامه نگار. بسياری از ما در کشور شما به آموختن علم و تعليم مشغولند و اسلام هرگز ما را از چيزی مانع نشد.

بانوی من، ديگر ميان مردان و زنان فرقی وجود ندارد. پس بانوی من اکنون از ما راضی هستی؟

پس به زبان حال او اين قول خداوند را برايش تلاوت می‌کنيم که:

﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡۗ قُلۡ إِنَّ هُدَى ٱللَّهِ هُوَ ٱلۡهُدَىٰ﴾ [البقرة: 120].

معنی: «يهود و نصاری تا اينکه ملت آنان را دنباله روی و تبعيت نکنی، از تو خوشنود نخواهند گشت. بگو که هدايت خداوند همان هدايت راستين است».

و کم‌ترين رضايت آنان از تو اين است که فقط در عبادت خود مسلمان بوده اما در عمل، ادب، سلوک، رفتار، لباس، افکار و ساير امور دنيای خود تابع آنان باشی.

و رسول خداص چه زيبا می‌گويد که:

«لَتَتَّبِعُنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبٍّ لاَتَّبَعْتُمُوهُمْ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ: آلْيَهُودَ وَالنَّصَارَى قَالَ: فَمَنْ؟»[[2]](#footnote-2).

معنی: «سنن و رفتار آنان که پيش از شما بودند را وجب به وجب و ذراع به ذراع دنباله روی خواهيد کرد تا جائيکه اگر در سوراخ ضب (نوعی مارمولک صحرائی) داخل شدند، بدنبال آنان شما نيز داخل آن خواهيد شديد، بدنبال آنان شما نيز داخل آن خواهيد شد. پرسيدم ای رسول خدا، آيا منظور شما يهود و نصاری هستند؟ و ايشان جواب دادند: پس چه کسی ديگری؟».

خواهرم! تو بايستی بصورتی شايسته به لباست اهتمام ورزی و برای خود شخصيتی داشته باشی. تو بايستی که در بذل جان و مال به خديجه، در فقه دين به عائشه، و در صبر، نگاهداری و حفظ دين خداوند به آل ياسر اقتدا کنی.

خواهرم!

اگر دارای هيکلی زشت و صورتی نازيبا می‌بودی، آيا کسی حاضر می‌شد که فقط به اين علت که زنی روشنفکر و دانا هستی، تصويرت را بر جلد مجله‌ای چاپ کند؟ آيا در اين صورت کسی را می‌يافتی که از تو درخواست کند تا به بهانه خدمت نمودن به زنان، مهماندار هواپيما شوی؟ آيا کسی را می‌يافتی که جهت تبليغ هر کالايی تصوير چهره‌ات را بر پوسترها چاپ کند؟ آيا کسی پيدا می‌شد که از تو بهانه کمبود وسائل تعليم و تربيت دفاع کند؟ پس بدان که آنان فقط می‌خواهند از چهره زيبا و صدای لطيف تو بهره‌مند شده و لذت ببرند. پس هرگاه اين خصال را در تو نيافتند، همانند کالائی کهنه و قديمی که مدت صلاحيت آن به پايان رسيده است تو را رها می‌کنند و فراموش خواهی شد.

اخطار

رسول خداص فرمودند: «مَا تَرَكْتُ بَعْدِي فِتْنَةً أَضَرَّ عَلَى الرِّجَالِ مِنْ النِّسَاءِ».

معنی: «پس از خود هيچ فتنه‌ای پر ضررتر از زنان برای مردان بجا نگذاشتم»[[3]](#footnote-3).

و دشمنان اسلام بخوبی اين مسئله را درک کرده و دانسته‌اند که إفساد کامل هر مجتمعی، با إفساد و به اصطلاح آزادی زنان امکان پذير می‌گردد.

يکی از سرکرده‌های جماعات ميسيونری می‌گويد: جام شراب و يک زن خواننده، در تخريب امت محمد آنگونه اثری دارند که هرگز هزار تانک از پس انجام آن بر نمی‌آيند پس آنان را در عشق به ماديات و شهوات غرق کنيد.

و برادر ديگرش می‌گويد: «بر ما واجب است که زنان را بسوی خود جلب کنيم. هرگاه يک زن دستش را بطرف ما دراز کند، به نتيجه مطلوب رسيده‌ايم و لشکر انصار دين را از پای در آورده و از هم پاشيده‌ايم.

وعيد

به همه کسانی که می‌خواهند هنرپيشه‌ها و خواننده‌های زن يعنی اين تفاله‌های اجتماع را الگوی زنان مسلمان معرفی کنند، اين اخطار را پيشکش مي‌کنيم:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾ [النور: 19].

معنی: «براستی کسانيکه دوست دارند تا فحشاء در مؤمنان إشاعه پيدا کند در دنيا و آخرت عذابی دردناک کشند. و خداوند مي‌داند و شما مي‌دانيد».

اين وعيد و انذار برای کسی است که می‌خواهد و دوست دارد. پس خود بگوئيد برای کسی که به آن عمل می‌کند، چه وعيد و سرانجامی در انتظار است؟

گروهی که رسول خداوندص آنها را نديد و ماديديم

رسول خداوندص فرمودند:

«صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلاَتٌ رُءُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لاَ يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلاَ يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا»[[4]](#footnote-4).

معنی: «دو گروه از اهل آتش را من نديده‌ام. قومی که شلاق‌هائی همانند دم گاو بدست داشته، و با آن مردم را می‌زنند، و زنانی لباس پوشيده، و در حقيقت لخت، دور از راه حق، که سر آنها همانند کوهان کج شده شتر است. آنها به بهشت وارد نمی‌شوند و هرگز بوی آن نيز به مشامشان نمي‌رسد حال آنکه بوی بهشت از مسيرهای چنين و چنان (کنايه از بعد مسافت) به مشام می‌رسد».

اين پيش بينی رسول خداوندص هم اکنون به وقوع پيوسته است، و آنان را به آن صورت وصف نموده است که گوئی به آنها می‌نگری.

کاسيات عاريات: لباسی رقيق يا کوتاه بتن دارند که پوست بدن از خلال آن پيدا است. پس اسما لباس نام دارد ولی در حقيقت پوششی برای بدن نيست.

مائلات: از طاعت خداوند و حيا و ستر مائل و دور گشته‌اند. و راه رفتن آنان نيز خالی از ميل و اطوار نيست.

مميلات: ديگران را با آرايش و زينت خود از طاعت خداوند و حيا و عفت دور مي‌کنند و دل‌های مردان را بخود مي‌ربايند.

رؤوسهن کأسنمة البخت: آرايش و فر موی سر آنان به صورتی است که آن را به کوهان مايل شتر شبيه کرده است.

رساله‌ای به همه پدرها

خداوند سبحان می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦﴾ [التحریم: 6].

معنی: «ای کسانيکه ايمان آورده ايد خود و خانواده خود را از آتش دور نگاهداريد. آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌ها بوده و بر آن ملائکه‌ای بسيار سخت و شديد مأمورند و هرگز نافرمانی خداوند را نکرده و آنچه به آنان امر دهنده انجام دهند».

و علی می‌گويد: «آنان را ادب و علم بياموزيد». وقتاده می‌گويد: «آنان را به طاعت خداوند امر نموده و از معصيت او باز داريد».

ای پدر! در صورتيکه به تو گفته شود اگر به ساختمان چند طبقه ات بدقت رسيدگی نکنی، و عيوب آن را بازسازي و ترميم نکني، اين عيب‌ها به سرعت افزايش يافته و ساختمان تو را به ريزش و تخريب تهديد می‌کند، چه می‌کنی؟ تو همه همّ خود را جهت ترميم و رسيدگی به اين ساختمان صرف خواهی کرد. پس از تو مي‌پرسيم جهت گردن نهادن به فرمان خداوند که تو را به دور نمودن دخترت از آتش دستور داده‌است چکار کرده‌اي؟

پدر گرامی! آن دخترانی که پرده حيا را دريده و در امتثال اوامر الهی تکبر می‌ورزند و ما آنان را می‌بينيم و در مورد آنان می‌شنويم، هرگز از آسمان نيافتاده، و يا از زمين نروئيده‌اند. بلکه آنان از خانه تو و خانه برادر مسلمان تو بيرون آمده‌اند. پس ای برادر! تقوای خدا پيشه کن و اهتمام خود را بيش از اينکه مخصوص به دنيای خود کنی، به دختر خويش معطوف دار. و مانند کسانی مباش که رسول خداص در مورد آنان می‌گويد: «لا يدخل الجنة ديوث». معنی: «شخص ديوث هرگز به بهشت وارد نخواهد شد». پس پرسيدند: ای رسول خدا! ديوث چه کسی است؟ و ايشان جواب داد: «الذی لا يغار على محارمه». معنی: «کسی که در مورد محارم خود غيرت نمی‌ورزد». و در روايت ديگر: کسی که به خبث و پليدی اهل خود راضی می‌شود.

مژده و نويد

به آن خواهر مسلمانم که در مقابل حملات سخت دشمنان ايستادگی نموده است. به کسی که تمسک و التزام او به دين خداوند مشتي مکرر و روزانه به چهره مدعيان آزادی است. به آن کسی که حيا و عفت خويش را سخت به دندان گرفته است. به آن قلعه شامخی که در مقابل طوفان باطل باشکوه تمام ايستاده است. به دختری که کتاب خداوند را بدست داشته و پرچم رسول خداوندص را به اهتزاز در آورده است اين قول رسول خداوندص را هديه می‌کنيم:

حضرت رسول اکرمص فرمودند: «بَدَأَ الْإِسْلاَمُ غَرِيبًا ثُمَّ يَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ الْغُرَبَاءُ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُصْلِحُونَ إِذَا فَسَدَ النَّاسُ»[[5]](#footnote-5).

معنی: «اسلام بی‌کس و غريب آغاز شد و باز به غربت و بی کسی باز خواهد گشت همانطور که آغاز شد پس طوبی (درختی در بهشت) برای غريبان. پرسيدند: ای رسول خدا! غريبان چه کسانی هستند؟ و ايشان فرمودند: «کسانی که در زمان فساد مردم در جهت اصلاح ميکوشند».

سلام خداوند که صابرين و مؤمنين را به آن بشارت داده است بر او باد.

﴿سَلَٰمٌ عَلَيۡكُم بِمَا صَبَرۡتُمۡۚ فَنِعۡمَ عُقۡبَى ٱلدَّارِ ٢٤﴾ [الرعد: 24].

معنی: «به سبب آن صبری که پيشه ساختيد بر شما سلام و درود باد. و بهترين پاداش است بهشت».

شرايط حجاب شرعی

1-  حجاب بايستی همه بدن را ستر کند. چون خداوند می‌فرمايد: ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 59]. و جلباب همان لباس بلندی است که همه بدن را ستر می‌کند و إدناء به معنای رها ساختن و کشيدن است. در نتيجه حجاب شرعی همه بدن را می‌پوشاند.

2-  حجاب بايد ضخيم بوده و رقيق و شفاف نباشد. چون غرض از حجاب همان ستر است. در نتيجه هنگامی که لباسی بدن را ستر نکند حجاب خوانده نمی‌شود. چون اين لباس جلوی رؤيت را نگرفته و حجابی در مقابل انظار محسوب نمی‌شود.

3-  اين لباس بخودی خود نبايد زينتی بوده و دارای رنگ‌های جذابی باشد که انظار را بخود جلب کند.

چون خداوند می‌فرمايد: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَا...﴾ [النور: 31]. و معنی: ﴿مَا ظَهَرَ مِنۡهَا﴾ آن است که بدون قصد و عمد باشد. پس اگر خود اين لباس زينت باشد نمی‌توان آن را پوشيده و حجاب نيز خوانده نمی‌شود. چون حجاب آن است که از ظاهر شدن زينت در مقابل اجانب جلوگيری کند.

4-  حجاب بايد وسيع بوده و تنگ نباشد تا پستی و برآمدگي‌ها بدن و اماکن فتنه در آن را مجسم نکند.

5-  لباس زن بايد معطر نباشد تا سبب جلب مردان نشود: و حضرت رسول اللهص فرمودند: «اَلْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً»[[6]](#footnote-6).

معني: «اگر زنی خود را به عطر آلوده و بر مجلسی بگذرد پس او اينگونه و اينگونه است. يعنی زناکار».

و در روايت ديگر: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ».

معنی: «هر زنی كه خود را به عطر بيالايد و بر گروهی بگذرد تا بوی آن را به مشام بشنوند، آن زن زناکار است».

6-  در لباس نبايد هيچ تشابهی به لباس مردان وجود داشته باشد. چون در حديث ابی هريره اينگونه آمده است که: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةَ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ».

معنی: «نبیص مردی را که لباس زنان پوشيده و زنی که لباس مردان را بپوشد لعنت نموده است.»[[7]](#footnote-7).

و در حديث بخاری: «لَعَنَ النَّبِيُّ الْمُخَنَّثِينَ مِنْ الرِّجَالِ وَالْمُتَرَجِّلَاتِ مِنْ النِّسَاءِ». معنی: «رسول خدا ص مخنثين از مردان، و مرد نمايان از زنها را لعن کرده است».

يعنی آنها که در لباس و قيافه خود همانند بر خی از زنان اين دور و زمانه مشابهت می‌کنند.

و مخنثين از مردان مردانی هستند که در لباس، تکلم و ديگر مسائل به زنان شباهت دارند. نسأل الله تعالی العافية والسلامة.

خاتمه یازده نصیحت

و در نهايت به تو ای خواهر مؤمن، يازده نصيحت گرانبها را تقديم می‌داريم تا به آن عمل کنی. و در اينصورت با سعادت خواهی زيست و بالآخره با ستايش به رحاب پروردگار خويش خواهی پيوست. پس همواره بايد در اين عملکرد خود از خداوند طلب استعانت نموده، و مسائل اين رساله را، با درک و فهمی صحيح دنبال کنی:

1. خداوند يکتا را آنگونه که در کتاب گرانبهايش قرآن و توسط فرستاده عالي مقامش محمدص تو را امر نموده است عبادت کن.
2. از شرک در عقيده و عبادت خويش بر حذر باش و دوري کن چون شرک همه اعمال تو را نابود ساخته، و موجب خسران خواهد گشت.
3. از انواع بدعت در عقيده و چه در عبادت خود پرهيز کن، چون بدعت پيامدي بجز گمراهي نداشته و صاحب بدعت در آتش جهنم خواهد سوخت.
4. از نماز‌هاي خود به زيبائي و کمال تمام محافظت کن. چون هر آنکه بر نماز‌هاي خويش محافظت و تداوم داشته باشد، ديگر مسائل را نيز حافظ خواهد بود. و هر کسي که آنها را ضايع نموده و در انجام آن سهل انگاري کند، در حفظ ديگر مسائل نيز سست و سهل انگار خواهد شد.
5. اگر ازدواج کرده‌ای همواره خواست همسرت را اجرا نموده، و در مقابل امرو نهي او عصيان مکن تا جائي که تو را به معصيت خداوند و رسولشص دستور نداده باشد.
6. همسر خويش را در غياب و حضورش در نفس خودت و مال او حافظ کن.
7. به همسايه‌ات با سخن نيک و کردار پسنديده احسان کن.
8. ملازم خانه خود بوده، و بجز در هنگام ضرورت از آن خارج مشو، و در صورت خروج از خانه ات ستر و حجاب کامل خود را رعايت نموده و چهره و دست‌هاي خود را بپوشان.
9. به والدين خود احسان کن و آنان را با سخن و يا فعل خود آزار مده. و تازمانيکه تو را به معروف امر ميدهند از آنان اطاعت کن، و اگر تو را به غير معروف امر دهند اطاعت از آنان جايز نيست.
10. اگر داراي فرزند هستي، در تربيت فرزندان خود کوشش کن و آنان را به راستي، نظافت، گفتارنيکو و کردار پسنديده عادت بده، و آنان را ادب و محاسن اخلاق بياموز. فرزندان خود را در هفت سالگي به اداي نماز امر کن و در سن ده سالگي اگر در اداي نماز سستي نمودند آنها را تنبيه کن. و بستر خواب آنان را از يکديگر جدا کن.
11. در ذکر و صدقه کوشا باش.

وقاني الله وإياك كل سوء، وختم لنا بالحسنى والحمد لله أولاً وآخراً.. وصلى الله وبارك على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً.

رهنمودهايي در رابطه با چهره آرائي و آرايش زنان

اما بعد:

من از اينکه فرصتي براي اين ديدار پيش آمد بسيار خوشحالم چون اين ديدار، نتايج پر منفعتي براي من و شنوندگان و همچنين کسانيکه ان شاء الله بعدا اين سخنان را بصورت نوشته مي‌خوانند در برخواهد داشت. از خداوند خواهانم که اعمالمان را خالصانه براي وجه و رضاي خود قرار دهد.

اما قبل از اينکه به اصل موضوع وارد شوم مي‌خواهم کلماتي را عنوان کنم که ان شاء الله به عنوان اين درس ارتباط داشته و در اين مقام مناسبت زيادي دارد.

برادران گرامي! ما همه مي‌دانيم که از بزرگ‌ترين نعمت‌هاي خداوند اين است که ما را به اين دين هدايت نموده است. اسلام هر صاحب حقي را از حق خود برخوددار ساخته و هر صاحب مقامي را در مقام خود جايگزين نموده است.

در مقام عبوديت و بندگي عبادت را فقط مخصوص خداوند قرار داد و او را از هرگونه شريک پاک و بي‌نياز معرفي کرد. خداوند مي‌فرمايد:

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ﴾ [البینة: 5].

معني: «و امر نشدند مگر براي آنکه خدا را با اخلاص کامل عبادت کنند، و فقط از دين او تبعيت کنند».

چون تنها خالق هستی او است پس عبادت نيز بايد فقط براي او بوده و عمل نيز فقط براي او و قصد فقط بسوي او باشد.

خداوند در مقام معامله و رفتار ميان خلق امر ميکند که هر صاحب حقي از حق خود برخوردار گردد پس نفس انسان را حقي است که بايد آن را از حقش برخوردار نمود. خويشاوندان نيز داراي حقي مي‌باشند که بايد اين حق بجاي آورده شود. دوستان و ياران نيز بر گردن شخص حقي دارند که نبايد از آن محروم بمانند. فرد در زندگي خود با اشخاص بسياري ارتباط دارد که که بايد حق‌شان ادا شود. در باب عهد و پيمان ميان شخص و ديگران نيز خداوند به وفاي عهد فرمان داده و از غدر و خيانت برحذر مي‌دارد. پس دين ما بحمد لله ديني است که به همه مکارم اخلاق دستور داده و به همين‌گونه نيز از همه زشتيها و رذائل نهي مي‌کند.

پس هر کسي که تأمل نموده و به اسلام بيانديشد در مي‌يايد که اين دين بهترين و استوارترين اديان است. ديني که شايسته هر زمان و مکان بوده و براي مسلمانان فخر و عزت و کرامت به ارمغان مياورد. کسي که به اين مسئله کوچک‌ترين شکي داشته باشد بايستي به تاريخ اسلام بنگرد. يعني زماني که مسلمانان ظاهرا و باطنا مسلمان بودند و زر و زندگي دنيا ايشان را بنده خود نکرده و در مقابل خداوند مغرور و متکبر نشده بودند. پس اکنون بر ما است که بخاطر اين دين گرانبها و اين نعمت بزرگ خداوند را شاکر و سپاسگزار بوده و شکر اين نعمت را با عمل نمودن به سنت رسول اکرمص چه در ظاهر و چه در باطن و سر و آشکار بجاي آوريم. خداوند مي‌فرمايد:

﴿وَإِن تَتَوَلَّوۡاْ يَسۡتَبۡدِلۡ قَوۡمًا غَيۡرَكُمۡ ثُمَّ لَا يَكُونُوٓاْ أَمۡثَٰلَكُم﴾ [محمد: 38].

معني: «اگر روي گردانيديد قوم ديگر را بجاي شما خواهد آورد و آنگاه آنان همانند شما نخواهد بود».

پس بر هر فرد عاقل است که بيانديشد و با مقايسه‌ای ساده بفهد که همانگونه که نعمت امنيت در صورت کفران آن به خوف و ترس مبدل مي‌گردد بهمانگونه نيز نعمت رزق اگر شکر گذارده نشود به گرسنگي و تنگدستي مبدل خواهد گشت.

اسلام از عزيز‌ترين وابستگي‌هائي است که هر فرد مسلمان به وجود آن افتخار مي‌کند. پس اگر مردم قدر اين نعمت بزرگ خداوندي را ندانسته و از آن با چنگ و دندان دفاع نکنند و يا اگر اين نعمت بزرگ خداوند را نديده و از آن چشم بپوشند اين دين از ميان آنان رخت بربسته و بسوي کساني مي‌رود که به آن ارج نهاده و قدر آن را بدانند.

پس اي برادر عزيز شما را به عدل در همه امور و موازنه بين آن توصيه مي‌کنم. بايد همه مسائل را در ميزان گذاشت و حکم کفه برتر آن را گرفت. و در صورت تساوي حکم به مساوي بودن آن امور داد. مسئله عنوان شده قاعدة بزرگي است که هر عاقلي بايد در مسير خود بسوي خداوند و در مسيرش با بندگان خداوند بر آن گام نهاده و آن را عملي کند تا در اينصورت بتواند قسط و داد را قوام بخشد و خداوند نيز دادگران را دوست دارد:

﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ﴾ [المائدة: 42].

بر شما است که حق همه اماناتي که به شما واگذار شده است را بجاي آوريد. هر فرد بايد بهمانصورتي که از او خواسته شده است بدون هيچ کوتاهي و يا زياده روي امانت‌هاي خود را ادا کند. چون هرکس که امانت‌هاي خود را ادا نموده و از عهده آنان برآيد پيروز گرديده و رستگار شده است و هرکه در آن افراط ورزد و يا سهل انگاري کند زيانکار گشته و پشيمان خواهد شد.

بر رهروان راه حق و همه کساني که مي‌خواهند بندگان خدا را اصلاح نموده و آنان را بسوي خير بخوانند واجب است که در اعمال خود خلوص نيت داشته و عمل خود را اصلاح کنند. چون هنگامي که نيت خالص گرديده و عمل با اجتهاد و کوشش و درنظر گرفتن مصالح و رفتار و سلوک اصلاح شود راه اصلاح و دعوت بسوي خير نيز کوتاه شده و هدف نزديکتر می‌گردد. و هنگامي که داعيان به اين دو صفت يعني اخلاص و اجتهاد و کوشش در اصلاح متصف گرديدند، درهاي بسته باز شده، امور قوام يافته و راه اصلاح نيز هموار می‌‌گردد. و همچنين هنگاميکه يکي از اين دو صفت از بين رفته و يا کم ارزش گردد بهمان اندازه نيز امر اصلاح کم ثمر و تهي بار خواهد بود.

و نيز حکمت اقتضا می‌کند که در هنگام دعوت بندگان خداوند شخص به تصرفات و اعمال ديگران به ديده رحمت نگريسته و نصيحت گو باشد. چون خطا و لغزش افراد بجز کساني که خداوند آنان را حفظ نموده و معصوم نگه داشته است اجتناب ناپذير بوده و هر فردي بحکم ضرورت خطا می‌کند. اما حکمت اينگونه نيست که شخص فقط خطا و لغزش‌هاي ديگران را ديده و از نيکي و راستي آنان چشم بپوشند. بلکه بايد با ديد و موازنه‌ای مساوي به هر دو مسئله بنگرد و در اصلاح لغزش‌ها و اشتباهات بکوشد. چون مؤمنان همانند شالوده و بنياني هستند که همه اجزاء آن در رابطه ننگاتنگ با يکديگر قرار دارند و حضرت رسولص با در نظر گرفتن اين دو مسئله به اين امر اشاره نموده و فرموده‌اند:

«لَا يَفْرَكْ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ».

معنی: «هيچ مؤمني نبايستي مؤمنه‌ای را ترک کرده و از او جدائي کند چون اگر از يکي از رفتارهاي او دلتنگ گشته و ناراضي گردد از ديگر رفتار او راضي و شاد خواهد شد»[[8]](#footnote-8).

و ممکن است که رفيق و يا ملازم تو در نظر تو مرتکب خطا و يا لغزشي شده باشد اما هنگامي که با او سخن گفته و مسائل را روشن می‌کني در مي‌يابي که تصرف او نادرست نبوده و خودت اشتباه مي‌کرده‌اي. در نتيجه بازنگري امور و مناقشه در مورد آن البته از روي خلوص نيت از بزرگترين اسباب اصلاح و پيشرفت می‌باشد.

پس اي برادر عزيز حکمت را شناخته و بر راه آن قدم بردار و همواره حق را به صاحب حق داده و هر صاحب فضل را از فضلش برخوردار کن. چون اين طريق همان طريق حکمت است:

﴿يُؤۡتِي ٱلۡحِكۡمَةَ مَن يَشَآءُۚ وَمَن يُؤۡتَ ٱلۡحِكۡمَةَ فَقَدۡ أُوتِيَ خَيۡرٗا كَثِيرٗاۗ وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّآ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٦٩﴾ [البقرة: 269].

معني: «و هر کسي را که خداوند حکمت و دانش عطا کند خير زيادي را بر او ارزاني داشته و اين حقيقت را جز خردمندان متوجه نشوند».

برادران عزيز! پس از اين مقدمه که از خداوند خواهانم آن را پر منفعت گرداند بيائيد تا به بحث اصلي خود باز گرديم.

حتما شما می‌دانيد که زن در قبل از اسلام از کالاهاي بي ارزش بشمار می‌رفت و زنده به گور سپرده می‌شد.

خداوند می‌فرمايد:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِٱلۡأُنثَىٰ ظَلَّ وَجۡهُهُۥ مُسۡوَدّٗا وَهُوَ كَظِيمٞ ٥٨ يَتَوَٰرَىٰ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ مِن سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِۦٓۚ أَيُمۡسِكُهُۥ عَلَىٰ هُونٍ أَمۡ يَدُسُّهُۥ فِي ٱلتُّرَابِۗ أَلَا سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ٥٩﴾ [النحل: 58-59].

معني: «از سوء اين بشارت که دختري نصيب او شده است روسياه گشته و بسيار ناراحت و دلتنگ می‌گردد. از زشتي اين بشارت خود را با ذلت و خواري نگاه دارد يا اينکه زنده بگور بسپارد آگاه باشيد که چه بد می‌‌پنداشتند».

و در جاي ديگر می‌فرمايد:

﴿وَإِذَا ٱلۡمَوۡءُۥدَةُ سُئِلَتۡ ٨ بِأَيِّ ذَنۢبٖ قُتِلَتۡ ٩﴾ [التکویر: 9-10].

معني: «و هنگاميکه از دختر زنده بگور شده پرسيده شود که به چه گناهي کشته شده است»؟.

و همچنين زن به عنوان جزئي از می‌راث ميت به ارث برده مي‌شد تا اينکه اسلام جلو اين مسئله را گرفت و خداوند می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَحِلُّ لَكُمۡ أَن تَرِثُواْ ٱلنِّسَآءَ كَرۡهٗا﴾ [النساء: 19].

معني: «اي اهل ايمان بر شما حلال نيست که زنان را به زور و اجبار به ارث بريد».

و همچنين در صورت مرگ خويشان هيچ ارث و ميراثي به او نميرسيد تا اينکه خداوند نصيب او را از ميراث تضمين نمود:

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٞ مِّمَّا تَرَكَ ٱلۡوَٰلِدَانِ وَٱلۡأَقۡرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنۡهُ أَوۡ كَثُرَۚ نَصِيبٗا مَّفۡرُوضٗا ٧﴾ [النساء: 7].

معني: «براي مردان نصيبي از ميراث والدين و خويشان است و براي زنان نيز نصيبي از ميراث والدين و خويشان است حال چه اين مال کم باشد و يا زياد و سهم همه مشخص گرديده است».

و نيز نصوص زيادي در مورد توصيه زنان و مراعات حال آنان وارد شده است. خداوند جل شأنه می‌فرمايد:

﴿وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾ [البقرة: 228].

معني: «و زنان را حقوقي است بر شوهران همانگونه که شوهران نيز بر آنان حقوقي دارند».

و در جاي ديگر می‌فرمايد:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ﴾ [النساء: 19].

معني: «و زنان را به نيکي معاشرت کنيد».

و حضرت رسولص فرمودند: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا».

معني: «زنان را گرامي بداريد»[[9]](#footnote-9).

و در جاي ديگر فرمودند: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ».

معني: «دينا مالي است زود گذر و فاني. و بهترين سرمايه موجود در آن زن صالحه و متدينه است»[[10]](#footnote-10).

حال می‌پرسم: يک زن به گردن شوهر خود چه حقي دارد؟

حضرت رسولص جواب اين سؤال را اينگونه داده‌اند: «أَنْ تُطْعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ أَوْ اكْتَسَبْتَ وَلاَ تَضْرِبْ الْوَجْهَ وَلَا تُقَبِّحْ وَلاَ تَهْجُرْ إِلاَّ فِي الْبَيْتِ»[[11]](#footnote-11).

معني: «اگر طعام خواست او را إطعام کني و اگر لباس بخواهد به او بپوشاني و به صورت او ضربه‌ای وارد نکني و او را زشت و قبيح خطاب نکني و از او دوري و جدائي نکني مگر در خانه».

و از اموري که اسلام جهت رعايت زن و حفظ کرامت وي مطرح نمود اين بود که او را به اين مزين شدن به مکارم اخلاق دستور داد. و از جمله اين مکارم اخلاق که محمدص به آن مبعوث گرديد حياء بود که ايشان ص آن را شعبه‌ای از شعب ايمان معرفي کردند. و هيچکس نميتواند انکار کند که حشمت زن و آراسته شدن او به اخلاق که وي را از مواضع فتنه و شبهه بدور می‌راند از جمله اموري است که تشکيل دهنده همين حياء می‌باشند. و بدون شک به حجاب در آمدن او و پوشانيدن صورت و مواضع فتنه بدنش بعلت سالم داشتن و دور نمودن او از فتنه‌ها از بزرگترين نمونه‌هاي حياء و حشمت است که يک زن بدان آراسته می‌گردد. حجابي که يک زن آن را بعنوان پوشش بدن خود قرار می‌دهد بايد تمامي تن و بدن او را کاملا از افراد نامحرم بپوشاند. خداوند می‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾ [الأحزاب: 59].

معني: «اي پيامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنين بگو که خويشتن را به جلباب فروپوشند که اين امر براي شناساندن آنها بهتر بوده و در نتيجه مورد آزار و اذيت قرار نخواهند گرفت».

و جلباب همان ردا و يا تنپوش واسعي است که تمام بدن را می‌پوشاند. و اينگونه است که خداوند به نبي خود امر می‌کند تا به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگويد: ﴿ۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ و بدينصورت صورت و گردن خود را ستر نموده و بپوشانند.

با مراجعه به کتاب خدا و سنت رسولشص و همچنين نظر از ديدگاهي صحيح و پس از موازنه امور اينگونه نتيجه می‌‌شود که بر يک زن واجب است که صورت خود را از مردان بيگانه و کسانيکه از محارم او نبوده و همچنين شوهر او نيز نمی باشند بپوشاند. زماني که بر يک زن واجب است سر خود را ستر نموده و پاهاي خود را بپوشاند و همچنين قدمهاي خود را محکم بزمين نکوبد، تا مبادا زينت‌هاي پوشيده شده او همانند خلخال و غيره آشکار گردند آيا عاقلانه است که بگوييم صورت زن جزو عورت او نبوده و ستر آن واجب نيست؟!! حال آنکه فتنه حاصله از نمايان شدن صورت بارها سنگين‌تر از فتنه‌ای است که هنگام ظاهر شدن موئي از موهاي سرش و يا ناخني از انگشتان پايش حاصل می‌شود؟ و هنگامي که يک فرد عاقل و مؤمن، به اين شريعت و احکام و اسرار آن به ديده تأمل بنگرد اينگونه نتيجه می‌گيرد که نمی‌توان يک زن را ملزم به پوشانيدن سر، گردن، بازوان، و ساق و پا نمود سپس به او اجازه داد که دست و صورت آکنده از زيبائي و جمالش را همه جا آشکار ساخته و به همه بنماياند. واقعا اين مسئله خلاف حکمت است.

و کسي که به مصائب گريبانگير مردم در اين ايام بنگرد، در خواهد يافت که اين مصيبتها به علت سهل انگاري مردم در مورد ستر صورت بوده است که باعث شده زن در مسائل ديگر نيز سهل انگاري کند. هنکامي که يک زن سر و گردن و سينه و بازوانش را در بعضي از کشورهاي اسلامي بدون هيچ مبالاتي در معرض ديد همگان گذارده و در بازارها به قدم زدن مي‌پردازد آنگاه است که بايد يقين نمود که پوشانيدن و ستر صورت زنان به مقتضاي حکمت بوده است. پس بايد به صراحت به زنان گفت که تقواي خداوند پيشه نموده و به حجاب واجبي که همه بدن آنان را از غير شوهران و نامحرمانشان می‌پوشاند و هيچ فتنه‌ای بدنبال ندارد آراسته گردند.

و اگر به بدحجابي و چهره نمائي آنان به مردان و بيگانگان بنگريم در خواهيم يافت که اين مسئله فساد بسيار زيادي را پشت سر دارد. و حتي اگر مصلحتي نيز در برداشته باشد، اين مصلحت در مقابل فساد ناشي از آن بسيار ناچيز بوده و اصلا بشمار نمی‌آيد. از جمله اين مفاسد مي‌توان از اين امور نام برد:

1- ظهور فتنه، چون هنگامي که يک زن چهره نمائي می‌کند در نتيجه مردان زيادي به او مفتون شده، و چه بسا که اين زن جوان و زيبا نيز باشد و صورت خود را نيز به انواع زينت آرايش کرده و با مظهري دلربا درميان هر جمعي ظاهر شود، که اين مسئله بخودي خود از بزرگترين عوامل شر و فساد بشمار می‌رود.

2- از بين رفتن حيا و شرمي که از ضروريات فطرت يک زن بوده و از جمله شعب تشکيل دهنده ايمان بشمار می‌رود. شرم و حياي يک زن همواره شاخصي در شخصيت او بشمار مي‌رفته و به آن ضرب المثل مي‌زدند. عرب مي‌گويد: «أحيي من العذراء في خدرها». (با حياتر از دوشيزه در پرده و چادرش). و زوال حيا در يک زن باعث نقص در ايمان او و خروج از فطرتي که به آن خلق شده است مي‌گردد.

3- شدت تعلق و دلبستگي مردان نسبت به او، و چه بسا که زيبا نيز بوده و خنده و تبسمي نيز بر لب داشته باشد. که آن را در بسياري از زناني که چهره خود را نمی‌پوشانند مي‌توان مشاهده نمود که در اين مورد گفته‌اند:

نگاهي و سلامي و کلامي و وعده گاهي و سپس ملاقات. و آنگاه است که شيطان در رگهاي بني آدم جريان مي‌يابد و کار بالا مي‌گيرد.

هنگامي که از موضع عبرت به اين مسئله نظري افکنده شود، خواهيم ديد که چگونه کلام و خنده و لبخند باعث دلبستگي قلب مردي به زني، و يا زني به مردي گرديده، و در نتيجه آن شري حاصل مي‌شود که دفع آن هرگز ميسر نيست. نسأل الله السلامة.

4- اختلاط و آميزش زنان با مردان. چون هنگامي که يک زن خود را در کشف چهره و آزادي آمد و شد با مردان مساوي مي‌بيند، در هنگام اين اختلاط و آميزش شرم و حيا را فراموش کرده و در نتيجه آن فتنه‌ای بزرگ و فسادي عظيم حاصل مي‌گردد.

بسيار جاي تأسف است که مي‌بينيم اقوامي از اين امت، همه مسائل وارداتي را بدور از تأني و تفکر دريافت نموده، و بدون اينکه آنها را با شرع و عقل بسنجد، و ببينند که آيا اين امور وارداتي با شريعت توافقي دارد يا نه، آنان را به اجرا مي‌گذارند. آيا بهتر نيست که هر امري که به اين امت وارد می‌گردد، با شريعت خداوند محک زده شده، و در صورت مخالفت آن با اين شريعت مردود شمرده شده و از آن اجتناب گردد؟ همانگونه که جسم، ميکروب و مرض را از خود دور نموده و از قبول آن خودداري مي‌کند؟ آيا بهتر نيست مسلماناني را که اين مسائل را بدون هيچ فکر و تأملي در جامعه وارد نموده و دست بدست نقل مي‌کنند نصيحت نموده تا شايد از اين فساد دست بردارند؟

چون يک شخص مؤمن بايد داراي شخصيتي قوي بوده تا ديگران از او تبعيت کنند نه اينکه به هر رسمي تابع ديگران باشد. او بايد صالح و مصلح و داراي اراده‌ای سخت بوده و با طرز فکري آگاهانه با مسائل برخورد کند. و حتي در صورتي که اين مسائل وارداتي با شريعت اسلامي مان مخالفتي نداشت باز هم بايد به آنان با ديده عقل نگريسته و نتايج بکاربستن آنان را در کوتاه و دراز مدت تحليل و بررسي نمود. چه بسا که اين مسائل در کوتاه مدت داراي آثار ملموسي نمود. چه بسا که اين مسائل در کوتاه مدت داراي آثار ملموسي نبوده، اما در نتيجه عملي شده آنان با خطرات زيادي در آينده روبرو گرديم.

پس هنگاميکه خط مشي، اينگونه ترسيم گرديده و بر آن حرکت کنيم، آنگاه است که می‌توان گفت ما با آگاهي کامل و در اتجاهي صحيح و سليم گام بر مي‌داريم و به اذن خداوند و موفق خواهيم نمود.

و از امور ديگري که بايد از ديده شرع و عقل بازنگري شوند اين است که بسيار  پيش آمده است که می‌بينيم که دختر و يا زن جوان از خانه بسوي بازار راه مي‌افتد در حاليکه لباسي فتنه انگيز و زيبا به تن دارد. اين لباس، کوتاه و يا بلند است و پوشش آن عبائي است که ممکن است کوتاه و يا بلند باشد. و گاه نيز بادي وزيدن گرفته و آن را مي‌گشايد. گاهي نيز خود دختر و به عمد آن را کنار مي‌زند.

او بيرون مي‌آيد در حاليکه روبنده‌ای رخسار دارد اما اين پوشش آنقدر نازک و رقيق است که براحتي می‌توان رنگ پوست صورت او را توصيف نمود. و گاهي نيز اين روبنده را آنقدر محکم به صورت خود مي‌کشد که پستي و بلنديهاي اين چهره‌اش همچون بيني و گونه را مي‌توان براحتي تشخيص داد. او دستبند طلايش را بدست مي‌کند و پرده از بازوان مي‌گشايد تا اين طلاها آشکار گردند. انگاري به همه مردم مي‌گويد: آهاي مردم بيائيد ببينيد که من چه به تن دارم!!!.

فتنه‌ای است بس بزرگ و محنتي بسيار عظيم. او خود را به عطري قوي مي‌آلايد که بوي آن هر صاحب قلبي را به خود مفتون مي‌کند. حال آنکه حضرت رسولص فرمودند:

«وَالْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً».

معني: «اگر زن خود را به عطر آراسته و از مجلسي عبور کند، اينگونه و اينگونه است، يعني زناکار»[[12]](#footnote-12).

و همچنين رسولص فرمودند:

«إِذَا شَهِدَتْ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلاَ تَمَسَّ طِيبًا».

معني: «هنگامي که يکي از شما زنان، از خانه بسوي مسجد بيرون شد، پس بخود عطر نزند»[[13]](#footnote-13).

آري او از خانه بيرون شده و باگامهائي سخت بسوي بازار راه مي‌افتد. همانگونه که قويترين مردان پاي بر زمين مي‌کوبند. انگار مي‌خواهد همه مردم قوت و نشاط او را دريابند. گاهي نيز مصاحب و دوستي از دختران ديگر بهمراه دارد و می‌توان صداي خنده و شوخي آنان را براحتي شنيد. گاهي نيز عمدا اين يکي به آن يکي طعنه‌ای مي‌زند تا بهانه‌ای براي خنده دست دهد. آنگاه به فروشگاهي وارد مي‌شوند و براي خريد جنسي بازو و دستهاي خود را بيرون مي‌اندازند. صاحب دکان نيز فرصت را غنيمت مي‌شمرده و مزه پراني را شروع مي‌کند و گاهي با خنده و گاهي با شوخي سخنان يکديگر را پاسخ مي‌گويند.

مسائلي از اين قبيل بسيار زيادند که همه و همه از اسباب فتنه بوده و باعث خطري عظيم و بروز سلوک و رفتاري زشت می‌گردند که از رهنمودهاي اسلام و طريقت امت اسلامي بدور است.

خداوند در مورد زنان حضرت رسولص که الگوي زنان جهان می‌‌باشند می‌‌گويد:

﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: 33].

معني: «و در خانه‌هايتان بنشينيد و بدن خود را همانند دوران جاهليت پيشين نمايان نکنيد».

و حضرت رسولص می‌فرمايد: «لاَ تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ».

معني: «زنان را از بين رفتن به مساجد منع نکنيد و خانه‌هاي آنان را براي آنان بهتر است».

خانه‌هاي آنان از چه چيز براي آنان بهتر است؟ از مساجد خداوند. در نتيجه خروج آنان به بازارها را چگونه مي‌توان توجيه نمود؟ (اين حديث را بخاري و مسلم روايت كرده‌اند).

اين حديث بر اين امر دلالت مي‌کند که يک مرد مي‌تواند زن را از خروج بجز بقصد مساجد منع کند و بنابر اين مسئله هيچ گناهي بر او مترتب نمی‌گردد. اما منع نمودن يک زن از زينت و آرايش و استعمال عطر و چهره گشائي و نماياندن صورت از واجبات يک مرد است، و او مسئول بوده و روز قيامت در اين مورد از او سؤال خواهد شد. هنگامي که می‌بينيم يک پير زن از زينت و تبرج و آرايش منع شده است پس چگونه مي‌توان به يک زن و يا دختر جوان همواره محل فتنه مي‌باشد، اجازه داد تا دست به اين اعمال بزند؟ و خداوند مي‌فرمايد:

﴿وَٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ ٱلَّٰتِي لَا يَرۡجُونَ نِكَاحٗا فَلَيۡسَ عَلَيۡهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعۡنَ ثِيَابَهُنَّ غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۢ بِزِينَةٖۖ وَأَن يَسۡتَعۡفِفۡنَ خَيۡرٞ لَّهُنَّۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ ٦٠﴾ [النور: 60].

معني: «و زنان سالخورده که از ولادت و قاعدگي بازمانده و اميد ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکي نيست که حجاب خود را کنار بگذارند در صورتيکه زينت خود را ظاهر نسازند و اگر عفت پيشه گيرند، و حجاب خود را به تن داشته باشند براي آنان بهتر است و خداوند شنوا و دانا است».

و همچنين مي‌فرمايد:

﴿وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: 31].

معني: «و پاي محکم بر زمين نزنند تا زينت و زيور پنهان پاهايشان معلوم شود». که منظور همان خلخال است که زن به پاي خود مي‌بندد و در زير لباس وي پنهان است. و در صورتيکه پاهاي خود را سخت به زمين بکوبد صداي خلخال که زينت پاي يک زن بوده و در زير لباس پنهان است بدينگونه نهي شده است، پس در مورد زناني که بازوهاي خود را برهنه کرده تا زينت دستهايشان نمايان گردد چه حکمي مي‌توان داد؟

براستي که فتنه نگاه و مشاهده بارها سنگينتر از فتنه صداي خلخال و شنيدن آن است. و حضرت رسولص:

«صِنْفَانِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُءُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لاَ يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلاَ يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ كَذَا وَكَذَا».

معني: «دو گروه از اهل آتشند که من تا هنوز آنان را نديده‌ام. يکي از آنان قومي هستند که شلاقهائي مانند دم گاو بهمراه داشته، و مردم را با آن مي‌زنند، و گروه ديگر زناني هستند پوشيده، ولي در حقيقت لخت و عريان، دور و مائل از راه حق، و دور کننده ديگران از راه حق، سرهاي آنان همانند کوهان شتر است و بهشت وارد نمی‌شوند و حتي بوي آن نيز به مشام آنان نمی‌رسد و بوي بهشت از اين مسير و آن مسير بمشام می‌رسد (کنايه از بوي قوي آن است)»[[14]](#footnote-14).

اين زنان را حضرت رسولص به کاسيات معرفي نموده است، چون تن پوش به تن دارند. ولي در عين حال آنان را عاريات معرفي مي‌کند چون اين تن پوش به علت نازکي و يا تنگي و يا کوتاهي بدن را ستر نمی‌کند و آنان را در حقيقت لختند. و سرهاي آنان نيز به اين صفت ذکر شده است، که نمونه آن را امروزه براحتي مي‌توان در کوچه و خيابان مشاهده نموده و آرايش‌هاي عجيب و غريب موي سر را بر اين زنان ديد.

برادران عزيز! اختلاط زنان با مردان و آميزش آنان با يکديگر شري است عظيم و بلائي بس بزرگ، که در اين ايام همه جا رايج است. بعنوان نمونه مي‌توان از فروشگاها نام برد که اين اختلاط در آنان شکلي بسيار رايج بخود مي‌گيرد. بايد دانست که اين مسئله خلاف شرع و خلاف روش و طريق سلف صالح مي‌باشد.

هنگامي که در يکي از روزها حضرت رسولص از مسجد بيرون آمدند و بصورتي تصادفي اختلاط ميان زنان و مردان در کوچه رخ داده بود ايشان رو به زنان کرده و فرمودند:

«اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيْكُنَّ بِحَافَّاتِ الطَّرِيقِ».

معني: «کنار برويد چون شما نبايد از وسط راه گذر کنيد بلکه همواره بايد از اطراف و کناره‌هاي راه عبور کنيد»[[15]](#footnote-15).

در نتيجه يک زن آنقدر خود را کنار مي‌کشيد که حتي به ديوار کناره راه مي‌چسبيد و لباسش با آن در تماس بود.

حضرت رسولص در مواضع بسياري اختلاط زنان با مردان راه هشدار داده است. حتي در اماکن عبادت. ايشان فرمودند:

«وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَشَرُّهَا أَوَّلُهَا»[[16]](#footnote-16).

معني: «بهترين صفوف نماز براي زنان آخرين صفوف و بدترين آنها اولين آن است».

براحتي دليل اين گفته را مي‌توان دريافت و دانست که دليل بهتر بودن آخرين صفوف براي زن، به دوري و بُعد اين صفوف از مردان و اختلاط و رؤيت آنان است. و اين نشانه‌ای است واضح براينکه شرع همواره کوشيده است که زن را از مردان دور نموده و از اختلاط آنان جلوگيري کند. و براستي که تمسک به اين طرز فکر خير زيادي را بدنبال خواهد داشت. پس برازنده است که يک زن ملازم خانه خود بوده همانگونه که خداوند مي‌فرمايد: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ [الأحزاب: 33]. و به هر بهانه‌ای راهي بازار و خيابان نشود.

اين مسئله ممکن است در ابتداي امر کمي مشکل باشد، اما بالآخره آنان به آن خو گرفته و تبديل با حجاب و پرورش دهندگان حيا و شرم و زينت خانه مي‌گردند. بر اولياء امور واجب است که در اين مورد سهل انگاري را کنار گذاشته و به واجبات خود يعني رعايت و امانت که خداوند آنها را بدان مأمور داشته است عمل نموده تا بدين طريق امور آنان اصلاح يافته و از فتنه و بلا دور گردند.

خداوند تعالي مي‌فرمايد:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦﴾ [التحریم: 6].

معني: «اي کسانيکه ايمان آورده‌ايد، خود و خانواده خود را از آتش دور نگاهداريد. آتشي که سوخت آن مردم و سنگ‌ها بوده و بر آن ملائکه‌ای بسيار سخت و شديد مأمورند و هرگز نافرماني خداوند را نکرده و آنچه به آنان امر شود انجام دهند».

اي برادر عزيز! شما که اولياء امور زنان هستيد، در نزد بسياري از مردم شايع شده است که به دختران خود لباس کوتاه و تنگ مي‌پوشانند. بصورتي که همه اجزاي بدن را نمايان مي‌سازد. و اين لباس گاهي آنقدر نازک است که رنگ پوست يک دختر را نيز مي‌توان تشخيص داد. پس اين افراد بايد بدانند کسي که دخترش را اينگونه لباس مي‌پوشاند و به اين طرز لباس پوشيدن افتخار مي‌کند در حقيقت آنان را لباس اهل جهنم پوشانيده است همانگونه که حضرت رسولص در حديث صحيح مي‌فرمايند:

«صنفان من أهل النار...».

و ذکر آن قبلا به ميان آمد پس بايد بپرسيم که اي پدر مسلمان: آيا راضي مي‌شوي که دخترت و ثمره قلبت از اهل آتش باشد؟ آيا رضايت مي‌دهي که او را با پوشانيدن اينگونه لباس‌ها از حيا عريان سازي، حال آنکه حياء درجه‌ای از درجات ايمان است؟ آيا راضي مي‌شوي که دخترت را همانند اجناس نمايشگاهها در معرض ديد هر کس و ناکس بگذاري؟ آيا رضايت مي‌دهي که از عادات نياکانت که همان عادات و آداب قرآن و سنت است چشم پوشيده و روش و مسلک قومي را در پيش بگيري که همواره پيرو يهود و نصاري و بت پرستان و بندگان طبيعت بوده‌اند؟ آيا نمی‌دانيد که اين قوم که در درياي اين تمدن پوشالي غرق شده و اين تن پوش لخت را بر دختران خود لباس دانسته‌اند هم اکنون در امواج فساد اين دريا دست و پا زده و نجات و خلاص از نجاست اين به اصطلاح تمدن را آرزو مي‌کنند؟

آري اين افراد نتيجه و ميوه فساد اين کردار را چيده و مزه تلخ آن را چشيده‌اند. پس برادران عزيز! اگر هرچه سريع‌تر جلو اينگونه لباسهاي دروغين گرفته نشود اين تنپوشها به سرعت در همه انحاي شهر و ديار انتشار يافته و همانند آتش, صالح و فاسد را با هم دربر مي‌گيرد. آتشي كه مي‌توان در ابتداي امر جلوي آنرا گرفته و از شعله‌های آن رهايي يابی. اما اگر آن را به حال خود واگذاری، لهيب شعله‌اش فراگير شده و تر و خشک را با هم می‌سوزاند و تو نيز نمی‌تواني در مقابل سوزش آن مقاومت کرده و يا از آن فرار کني چون بسیار از تو و قدرت تو بزرگتر خواهد شد.

بسياري از مردم نيز حجتهاي ناصحيحي را بهانه ساخته و مي‌گويند: ما دختران خود را شلوار بلند پوشانيده ايم. اما اين استدلال به عذر بدتر از گناه مي‌ماند. چون اين شلوارها آنقدر تنگ و چسبان است که حجم باسن و اندازه اجزاء بدن را بخوبي نمايان مي‌سازد. از خلال اين به اصطلاح شلوارها بند بند مفاصل يک دختر  را مي‌توان ديد و فهميد که آيا اين دختر لاغر و يا چاق است.

و برادران من اين امر باعث اغواي نفوس افرادي خبيث و شرير مي‌گردد تا تشنگي شهوت خود را با نگاه و گاهي نيز اموري ديگر سيراب سازند. و دختر را در زمره کساني در مي‌آورد که حضرت رسولص در باره آنان فرمودند: «کاسيات عاريات».

بسياري نيز مي‌گويند اين دختر هنوز کم سن و سال است و بر عورت او حکمي نيست. اما بايد دانست که اين گونه دليل تراشي باعث مباح بودن اينگونه اعمال نمی‌گردد چون همين دختر کم سن و سال را هنگامي که در اين سن و سال را هنگامي که در اين سن کم اينگونه لباس پوشاندي، به آن الفت و انس گرفته و در سنين جواني همين لباس‌ها جزئي از وجود او خواهد گشت. آري پوشيدن اينگونه لباس‌ها بخصوص در سنين کم باعث از بين رفتن حياي او شده و بدن نمائي براي او به عادتي بدل مي‌گردد که هيچ گونه زشتي و قباحتي ندارد. و هنگامي که اين مواضع بدن همانند ران و ساق از ابتداي امر مستور بمانند، اين امر باعث مي‌شود که در سنين بالاتر کشف آن بسيار سنگين و زشت جلوه  کند. و هنگامي که اين مواضع از بدن از سنين کودکي در معرض ديد همه باشد، بنا به عادت در سنين بالاتر کشف آن براي دختر هيچ زشتي و قباحتي ندارد. چون همه مي‌دانيم که يک مسئله هر قدر هم که سنگين باشد در صورتي که انسان به آن عادت کرده و خو گيرد، سنگيني آن از بين رفته و بصورت امري عادي جلوه گر خواهد شد.

مي بينيم که هم اکنون همين لباس‌ها را دختراني به تن مي‌کنند که به سن بلوغ رسيده و حجاب بر آنان واجب گشته است. چون يک دختر هنگامي که به سني مي‌رسد که نگاه متوجه او گشته و نفوس مجذوب او مي‌گردند آنگاه است که بايد به حجاب درآمده و از انظار مخفي بماند.

امام زهري/ که از ائمة تابعين است مي‌گويد:

«نگاه کردن به دختري که نظرها را به خود جلب مي‌کند، حتي در صورت کم سن بودن او هرگز درست نيست».

اما اکنون ببنيم که چگونه مي‌توان در مقابل سيل اينگونه ملابس مقاومت نمود؟ اين امر در صورتي امکان دارد که انسان به ديده عقل و انصاف به منافع اينگونه لباس‌ها که هيچ‌گونه نفعي ندارند و همچنين مضرات آن بنگرد. پس اگر به ضررهاي اين لباس‌ها قانع شد، آنگاه است که او خويشاوندان و نزديکان را که توانائي امر و نهي به آنان را دارد از پوشيدن آنها منع کند و همه را به مضرات اين لباس‌ها هشدار دهد. او بايد اين لباس‌ها را در نزد دختران کم سن و سال تقبيح نموده و از آن عيب و ايراد بگيرد. و به اين صورت است که کراهت اينگونه لباس‌ها در نفس اين بچه‌ها متمرکز شده تا جائي که اگر آن را به تن کسي ببينند، احساس مي‌کنند اين شخص معيوب است.

برادران عزيز! مسئله زنان به مرور زمان تبديل به مشکل بزرگي شده است که هرگز نمی‌توان در مقابل آن سکوت کرده  يا از آن چشم پوشيد. چون اگر امور به همين منوال ادامه پيدا کند، عواقب وخيمي دربر خواهد داشت که همه مردم قرباني آن خواهند شد. آيا کساني که در مقابل خانواده‌ها و شهر و ديار خود مسئول‌اند به فکر مي‌آيند؟ آيا آنان نمی‌دانند که لا اقل مسئوليت خانواده خود را بعهده دارند؟ آيا اين شخص نمی‌تواند زن، دختر، خواهر، و نزديکانش را همانند مردان انصار در هنگام نزول سوره نور نصيحت کند؟ آيا اين مرد نمی‌تواند از خروج زن خود مگر در صورت ضرورت ممانعت کند؟ آيا او نمی‌تواند در صورت خروج اضطراري زنان آنان را از آرايش و زينت و استعمال عطر منع کند؟ آيا کسي که خويشان و يا خواهر دانشجو دارد نمی‌تواند به آنها بگويد تا دختران دانشجوي ديگر را نصيحت نموده و در بيدار سازي و دعوت آنان نقشي داشته باشند و آنان را از زشتي و شر ولگرد در بازار، آن هم با زينت و آرايش برحذر دارند؟

همه اين امور در صورتي که شخص پروردگار خود را تصديق نموده و نيت خود را خالص و عزم خود را جزم نمايد نه تنها امکان پذير بلکه بسيار نيز آسان است.

برادران عزيز! شمه‌ای از توجيهات خداوند سبحان و رسول اوص را جهت اطلاع بر می‌خوانيم و خداوند می‌فرمايد:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا ٣٦﴾ [الأحزاب: 36].

معني: «و هيچ مرد و زن مؤمني در کاري که خداوند و رسول او حکم دهند اختيار و اراده‌ای ندارند و هرکس نافرماني خدا و رسول او را بکند به گمراهي سختي افتاده است».

﴿وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ فَأُوْلَٰٓئِكَ مَعَ ٱلَّذِينَ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم مِّنَ ٱلنَّبِيِّ‍ۧنَ وَٱلصِّدِّيقِينَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَٱلصَّٰلِحِينَۚ وَحَسُنَ أُوْلَٰٓئِكَ رَفِيقٗا ٦٩﴾ [النساء: 69].

معني: «و آنکه خدا و رسول او را اطاعت کند پس با کسانيکه خداوند به آنها نعمت فراواني داده يعني پيامبران، صديقان، شهداء و صالحين محشور خواهد شد و چه نيکو رفيقاني هستند آنان».

﴿قُل لِّلۡمُؤۡمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ وَيَحۡفَظُواْ فُرُوجَهُمۡۚ ذَٰلِكَ أَزۡكَىٰ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ خَبِيرُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ٣٠ وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾ [النور: 30-31]..

معني: «مردان مؤمن را بگو تا چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند و فروج (شرمگاهاي) خود را حفظ کنند که اين براي پاکيزگي آنها بهتر است و براستي خداوند بر آنچه آنها انجام مي‌دهند آگاه است. و به زنان مؤمنه بگو تا چشمان‌شان را از نگاه ناروا بپوشند وفروج (شرمگاهاي) خود را حفظ کنند و زينت و آرايش خود را جز آنچه قهرا ظاهر مي‌شود بر بيگانه آشکار نسازند. و بايد سر و سينه خود را به خمار بپوشانند و زينت و جمال خود را آشکار نسازند جز براي شوهران خود و پدران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادران خود و پسران خواهران خود و زنان مسلمان و کنيزان خود و خدمتکاران مردي که به زنان ميلي ندارند (خاجه) و يا طفلي که هنوز بر عورت و محارم زن آگاه نيست. و پاي بر زمين محکم نزنند که زينت پنهان آنان آشکار شود و همه به درگاه خداوند توبه کنيد باشد که رستگار گرديد».

اينها توجيهات اسلام بود، حال ببينيم که راه و روش اهل اسلام چگونه است.

ام سلمهل می‌گويد: «هنگامي که اين آيه نازل ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ زنان انصار بگونه‌ای خارج شدند گوئي که بر سر آنها کلاغ نشسته است که نشانه سکينه و آرامش کامل بود. و همه تنپوشي سياه بتن داشتند».

و عائشهل می‌گويد:

«هرگز همانند زنان انصار کسي را نديده‌ام که اينگونه کتاب خداوند را تصديق نموده و به تنزيل آيات آن مؤمن باشند. هنگامي که اين آيه سوره نور نازل شد: ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ هر مردي بسوي همسر و دختر و خواهر و خويشاوندان خود روانه شد و اين آيات را بر آنها تلاوت کرد. و هرکدام بلافاصله با شنيدن اين آيات پارچه‌ای را که در اختيار داشت بدور خود پيچيد که نشانگر تصديق و ايمان آنان به آيات منزله در کتاب الله بود».

آيا نبايد اين توجيهات اسلامي را با جان و دل در آغوش کشيد و از راه و روش اهل اسلام عبرت گرفت؟ آيا نبايد تقواي خداوند را پيشه کرد؟ آيا نبايد علل کجروي بسياري زنان و انحراف آنان از طريقت اهل اسلام را دريافت و آنان را به اصلاح سلوک و سير بر طراط مستقيم خداوندي ملزم نمود؟ ودر نتيجه آنگاه است که مجتمع ما مي‌تواند در مردان و زنان خود و در عبادتها و اخلاق خود، يک مجتمع اسلامي باشد. و مبادا آنان که به خداوند و روز قيامت ايمان ندارند شما را به اين رفتار و کردار خود مغرور سازند. و بايد دانست که اين آرايش و تزين و لباس‌هاي کوتاه و تنگ به تقليد از آنان ساخته شده است. و دشمنان شما بخوبي مي‌دانند که اگر شما را به صراحت به کفر دعوت کنند، شما هرگز کافر نمی‌شويد و نيز اگر شما را به شرک دعوت کنند، به هيچ عنوان مشرک نخواهيد شد. پس آنان از راه ديگري وارد شده‌اند، و مي‌خواهند اخلاقيات و دين شما را از طريق ديگري نابود کنند که همان (محقرات الذنوب) يا گناهان کوچک می‌باشند. آري آنان اين گناهان را در چشمان شما کوچک جلوه داده و شما نيز آنان را کوچک شمرده و به انجام آن تن در مي‌دهيد و بالآخره همين گناهان‌اند که انسان را راهي آتش مي‌کنند. حضرت رسولص مي‌فرمايند:

«إن الشيطان قد أيس أن تعبدوا الأصنام في أرض العرب ولكنه سيرضي منكم بدون ذلك بالـمحقرات وهي الـموبقات يوم القيامة».

«براستي که شيطان از بت پرستي شما در سرزمين عرب مأيوس گرديده است اما به امري کوچک‌تر از آن بر شما رضايت مي‌دهد که همان گناهان کوچک است حال آنکه همانها هلاک کنندگان روز قيامت‌اند».

پس برادران عزيز! هرگز فريب چيزهائي که دشمنان شما به شما پيشکش مي‌کنند را نخوريد. و شما بايد از اين دو راه يکي را انتخاب کنيد:

يا اينکه در دين خود استوار بوده و با صلابت خود نيرنگ و کيد دشمنان را دهم شکنيد و داراي قوت و شخصيت اسلامي بوده و دنباله روي آنان نباشيد و به آنان مغرور نشده و راه و رسم نياکان خود را بگيريد تا به خير دنيا و آخرت نائل گرديد و يا اينکه بر عکس –نسأل الله السلامة- شخص در دين خود سست و در شخصيت خود ضعيف بوده و در مقابل هر اغوا و شهوتي ازهم بپاشد و از زيانکاران باشد:

﴿قُلۡ إِنَّ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ وَأَهۡلِيهِمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡخُسۡرَانُ ٱلۡمُبِينُ﴾ [الزمر: 15].

معني: «بگو براستي زيانکاران آنان هستند که خود اهل خود را در قيامت از دست داده و به عذاب جاودان در افتند اين همان زيان است که بر همه آشکار است».

و حضرت رسولص مي‌فرمايد:

«من تشبه بقوم فهو منهم».

معني: «کسي که خود را به قوم ديگري شبيه سازد، او از همان قوم است».

آري اي برادران هنگامي که ما به هرچيز جديدي دل بسته و رسوم و تقاليد وارداتي ديگران را دنباله روي کنيم، بالاخره کار به جائي مي‌رسد که در گمراهي، اخلاق، عقايد و افکار نيز مقلد آنان خواهيم شد. پس هر شخص بايد حافظ عادات و تقاليد خويشان خود باشد مگر اينکه اين عادات با شريعت تضاد و تصادم داشته باشد. و بر هر مسلمان واجب است که دين خود را عزيز شمرده و به آن افتخار کند، و به حدود و قوانين خداوند و رسولشص بسنده نمايد. همان قوانيني که زينت خلق بوده و خداوند شايسته بندگان خود مي‌داند و احداث هرگونه افزوني و کاستي در آن جايز نيست. هر فرد بايد امور خود را بر دنباله روي کتاب خداوند و سنت رسولشص بنا نهاده و از ابتداع و نوآوري بدور باشد. او بايد زندگي خود را بر اخلاص بنا نموده و از اشراک بدور باشد. بايد از قوانين محبوب رحمن تبعيت نموده و از امور محبوب به شيطان برحذر باشد. و همچنين بر فرد مسلمان واجب است که همانند پرچم جهت وزش هر بادي را دنباله نکند، و شخصيت خود را بر اساس شريعت خداوند سبحان پايه گذاري کند تا در دنيا و آخرت به عزت و کرامت نائل گردد.

و خداوند را به اسماء و صفات نيکش مسئلت مي‌کنم که همواره به ما حق را بصورت حق بنماياند تا از آن پيروي نموده، و باطل را بصورت باطل آشکار کند، تا از آن دوري کنيم. و از ما اشخاصي بسازد که هدايت شده و سبب هدايت ديگران گرديم. و از او جل وعلي خواهانيم که دلهاي مارا به نور علم و ايمان روشن گردانيده، و علم ما را وبالي بر گردنمانسازد. از او مي‌خواهيم که اعمال ما را خالصانه جهت وجه کريم خود و رضايش قرار داده و از اين امت نسلي بسازد که به احکام خداوند آگاه بوده و از حدود و قوانين او محافظت نموده و به اوامر خداوند پايدار باشند تا بتوانند هدايتگر بندگانش باشند. إنه جواد کريم.

الحمدلله رب العالـمين وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

1. - اين حديث را امام بخاري در صحيح خود روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-2)
3. - اين حديث را بخاري و مسلم روايت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-3)
4. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-4)
5. - رواه أحمد والترمذي وصححه الألبانی. [↑](#footnote-ref-5)
6. - رواه أصحاب السنن وقال الترمذي: حسن صحيح. [↑](#footnote-ref-6)
7. - اين حديث را ابوداود و نسائي روايت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-7)
8. - اين حديث را مسلم و احمد روايت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-8)
9. - اين حديث را بخاري و مسلم روايت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-9)
10. - اين حديث را مسلم و نسائي و احمد روايت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-10)
11. - اين حديث را ابوداود و ابن ماجه روايت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-11)
12. - اين حديث را ترمذي, ابوداود, نسائي, احمد و دارمي روايت نموده‌اند و ترمذي گفته است حسن صحيح است. [↑](#footnote-ref-12)
13. - اين حديث را امام مسلم در صحيح خود روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-13)
14. - اين حديث را امام مسلم و امام احمد روايت كرده‌اند. [↑](#footnote-ref-14)
15. - اين حديث را ابوداود در سنن خود روايت كرده است. [↑](#footnote-ref-15)
16. - رواه مسلم وأبوداود والترمذي والنسائي وابن ماجه وأحمد. [↑](#footnote-ref-16)